



بیانات در دیدار وزیر، مسؤولان و کارشناسان وزارت نفت و دست‌اندرکاران اطفای حریق چاههای نفت کویت - 12 / آذر / 1370

بسم الله الرحمن الرحيم

در ابتدا باید از برادران عزیز به خاطر همین تلاشی که به مناسبت آن، این دیدار را ما با هم داریم، تشکر کنم. شما ظرفیت فنی قابل توجه و مفید کشورمان را در راهی به کار انداختید که از جهات مختلف، برای کشور و انقلاب و دولت جمهوری اسلامی و خود دستگاه نفت، مایه‌ی بهره - چه بهره‌ی معنوی، و چه بهره‌ی مادی - شد؛ و این نمونه‌ی شد برای انجام کارهای خوب، با ظرفیتهای موجود کشور. بنابراین، من از آقایان، و از جناب آقای آقازاده، وزیر محترم و فعال و پیشرومان، و از همه‌ی مسؤولان دستگاه نفت متشکرم.

البته این بار اولی هم نیست که ما از امکانات فنی خود در وزارت نفت، چنین بهره‌برداری درستی را مشاهده می‌کنیم. هم در طول جنگ، و هم پس از جنگ، این دستگاه با ارزش ما ثابت کرد که کفایت لازم را برای به عهده‌گیری چنین مسؤولیتی دارد. من فراموش نمی‌کنم آنچه را که وزارت نفت در وسط جنگ، در بازسازی پالایشگاههای مختلف کشور - از جمله همین پالایشگاه تهران - انجام داد.

دشمن نقاط ضعف ما را در دستگاههای فنی و صنعتی نفتی ما دیده بود و آنها را زیر فشار قرار می‌داد؛ و شما چه این دستگاه را، چه دستگاههای مربوط به تزریق گاز را، چه دستگاههای مختلفی را که بعضاً من خودم هم چند سال پیش آمدم و از نزدیک دیدم، و چه بعد از جنگ، پالایشگاه آبادان و دستگاههای مختلف مربوط به پتروشیمی و غیره را راه انداختید. همه‌ی اینها مربوط به این دستگاهی است که بحمدالله حرکت مفیدی دارد.

بنابراین، من این فرصت را برای تشکر از همه‌ی عوامل وزارت نفت، از بابت همه‌ی کارهایی که در طول جنگ و پس از جنگ انجام دادند، و ادامه هم دارد و باید هم ادامه داشته باشد، مغتنم می‌شمارم؛ و تا فراموش نکرده‌ام، بخصوص از مهار چاههای ما در دریا - که مشتعل بود و همین عوامل وزارت نفت در پنج، شش سال قبل آنها را بستند - اسم بیاورم.

حالا اگر ما به خودمان برگردیم و بخواهیم طبق آنچه که از هر انسان صاحب اندیشه و اهل تدبیری مطلوب است، از پدیده‌ها استفاده‌های کلی بکنیم، باید بگوییم که ظرفیت ملت ایران - که شما هم بخشی از آن هستید - برای کارهای بزرگ، يك ظرفیت بالا و ستودنی است. ما باید این را از بن دندان باور کنیم؛ به زبان گفتن کافی نیست. سالهای متمادی - به يك معنا شاید بشود گفت قرن‌ها - عواملی به وجود آمد که باور ملت ایران را نسبت به خودش متزلزل کرد.

ماها از آن گروهی هستیم که دوران قبل از انقلاب را خوب درک کردیم؛ این جوانان و تازه‌رسها، قبل از انقلاب را درست درک نکردند. ما که در آن دوران، سالهای متمادی از عمرمان را گذرانیدیم، خوب می‌فهمیم که چه کارهایی برای بی‌اعتقاد کردن ملت ایران به توان و ظرفیت علمی خود، و ظرفیت فنی و استعدادهای خود، و قدرت بالندگی و باروری



خودش انجام می‌شد.

در دوران تسلط استعمار، در عمق جان مردم این فکر را به وجود آوردند که ایرانی باید علم و تجربه را، و حتی تولید و مصرف را از دیگران بیاموزد. نخواستند به ما یاد بدهند که دانسته‌های دیگران را چگونه هوشمندانه یاد بگیریم و خودمان آنها را به کار بیندازیم. ما باید دانسته‌های دیگران را بیاموزیم؛ این چیز خوبی است. به ما فهماندند که دیگران به دلیل دانا بودن، باید همه‌ی کارهای ما را متکفل و متعهد بشوند؛ آنها باید انجام بدهند و ما باید پادویی آنها را بکنیم! تقریباً در این صد سال اخیر - که تا قبل از انقلاب، دوران تسلط سیاستهای استعماری بود - به ملت ایران این‌طور تفهیم شده بود. قبل از آن هم این نبود، لیکن آن استبداد و فساد حکومتها که بر کشور حاکم بود؛ در دوران قاجاریه، تسلط آن افراد بی‌مسئولیت و بی‌فکر و حقیر - که عظمت این ملت را اصلاً درک نمی‌کردند، تا بخواهند برای ترویج آن کاری بکنند - این تفکر را به وجود آورد. بنابراین، آنها هم به نوبه‌ی خودشان فساد کردند.

بعد از انقلاب، انقلاب و معلم انقلاب - که امام بزرگوار ما بود - به ما ملت تفهیم کردند که ما می‌توانیم خودمان کار کنیم؛ خودمان تلاش کنیم؛ خودمان بسازیم؛ خودمان قاعده‌ی سازندگی و تولید و مصرف را - که همان فرهنگ ماست - بنیانگذاری کنیم. ما باید این را در همین دوران سازندگی هم به کار بگیریم. ما هرگز به داشته‌های دیگران پشت نمی‌کنیم. هر کسی هرچه دارد؛ چه علم، چه امکانات، چه تکنولوژی و موجودی فنی او - وقتی که ناگزیر باشیم - اگر بتوانیم همه‌ی آنها را در خدمت هدفهای خودمان قرار بدهیم، لحظه‌ی دریغ نخواهیم کرد. ما همه‌ی اینها را بایستی وسیله و پلی برای جوشیدن استعداد سازندگی از درون کشور قرار بدهیم. هر جا که می‌توانیم در داخل کشور تولید کنیم، بایستی این را بر استفاده‌ی از مصنوعات خارجی ترجیح بدهیم. هر چیزی که در داخل کشور تولید می‌شود، برای ما مبارکتر از مشابه خارجی آن است؛ حتی اندکی بهتر از آن که از دست دیگری و دروازه‌ی از دروازه‌های کشور وارد بشود.

استعدادها را باید پرورش بدهیم. همه کس - چه اهل علم، چه اهل تکنولوژی، چه اهل ابتکار، چه اهل مسائل فنی در هر سطحی - باید احساس بکنند که بار سازندگی کشور بر دوش آنهاست. ما خودمان باید کشور را بسازیم؛ کسی کشور را برای ما آن‌چنان که مورد نیاز ماست، نخواهد ساخت. ما خودمان هستیم که خانه‌ی خودمان را برطبق نیازهای خودمان می‌سازیم. آنهایی که تاکنون در طول دهها سال، با چشم طمع به ما و به کشور و به منابع ما نگاه کرده‌اند و در این دوازده، سیزده سال اخیر، غالباً با چشم بغض به ما نگاه کرده‌اند، اینها اگر هم با ما در میدان سازندگی وارد بشوند، خانه‌ی ما را آن‌گونه که با هدفمان، با طبیعت کشورمان، با فرهنگمان و با حلقیاتمان مناسب است، نخواهند ساخت؛ بلکه به گونه‌ی خواهند ساخت که متناسب خواست آنهاست. پس، اصل این است که ما خودمان بسازیم.

بحمدالله ظرفیت فنی وزارت نفت، ظرفیت بالایی است. البته در گذشته، این ظرفیت بالا تحت الشعاع حضور خارجیها بود. شعاع حضور متخصصان، مدیران و مسؤولان خارجی، در تمام این منطقه‌ی عظیم نفت و ملحقات و منضعات نفت، گسترده بود. در همه کارش، حضور آنها محسوس بود؛ اما امروز بحمدالله حضور خود شماس است.

شما فرزندان کشورید. شما بچه‌های این مرز و بومید. شما نسبت به این کشور مدیونید. کشور متعلق به شماست؛ بایستی خانه‌ی خودتان را آباد کنید. این ظرفیت را بایستی در راه آبادی کشور به کار بیندازید و این صنعت عظیم را



که امروز تقریباً رگ حیات کشور هم به آن بسته است، یا لااقل بخش مهمی از آن این طور است، هرچه می‌توانید، پیش ببرید، توسعه بدهید، مدرن کنید، و از این برای پیشبرد کل صنعت و فن کشور استفاده نمایید.

ان شاء الله خداوند هم به شما توفیق خواهد داد، و با تکیه‌ی به اسلام و اعتماد به خدا و بکارگیری ایمان واقعی و صمیمی، همه‌ی این راه‌های دشوار هموار خواهد شد؛ و همین طور که می‌بینید، ان شاء الله روزبه‌روز موفقیت جدیدی برایتان پیش می‌آید. ان شاء الله خدا شما را توفیق بدهد و کمک و تأییدتان کند، تا بتوانید در فاصله‌های کوتاهی کارهایی داشته باشید که همین اندازه خوشحالی‌آور و مسرت‌انگیز باشد. ان شاء الله موفق باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته